

مدل یابی معادلات ساختاری طلاق عاطفی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه،

دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری تنظیم هیجان در زنان متأهل

مژگان جلالوند^۱، حمیدرضا رضازاده بهادران^۲، شکوه نوایی نژاد^۳، علی اکبر خسروی بابادی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مدل یابی معادلات ساختاری طلاق عاطفی براساس طرح واره‌های ناسازگار اولیه، دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری تنظیم هیجان در زنان متأهل شهر تهران انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی و از نوع مدل یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان متأهل شهر تهران تشکیل دادند. از بین جامعه آماری تعداد ۲۰۰ زن متأهل ساکن تهران به روش نمونه‌گیری در دسترس از مراکز مشاوره و مشاوران انجمن حمایت از حقوق کودکان بصورت آنلاین (به دلیل وجود ویروس کرونا) انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه طلاق عاطفی (EDQ)، پرسشنامه طرح واره‌های ناسازگار اولیه (YSQ-SF2)، مقیاس دلزدگی زناشویی (CBM) و مقیاس تنظیم هیجان (ERS) بود. تحلیل‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS^{۲۶} و AMOS^{۲۴} صورت گرفت. جهت تحلیل روابط واسطه‌ای نیز از روش بوت استرپ در برنامه MACRO استفاده شد. نتایج حاصل از روابط مستقیم متغیرهای پژوهش نشان داد که بین بریدگی و طرد، گوش بزنگی بیش از حد و بازداری، و دلزدگی زناشویی با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. هم چنین طرح واره‌های ناسازگار اولیه و دلزدگی زناشویی علاوه بر تاثیر مستقیم از طریق تنظیم هیجان بر طلاق عاطفی اثر غیرمستقیم مثبت و معنادار دارند. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تنظیم هیجان به عنوان یک متغیر میانجی توانست رابطه بین طرح واره‌های ناسازگار اولیه و دلزدگی زناشویی را تبیین نماید.

کلید واژه‌ها: طلاق عاطفی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، دلزدگی زناشویی، تنظیم هیجان

۱. دانشجوی دکتری گروه مشاوره، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
mousgan_jalalvand@yahoo.com

۳. استادیار گروه مشاوره، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
rezazade1390@gmail.com

۳. استاد گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۴. دانشیار گروه مشاوره، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اساس شکل‌گیری و رشد خانواده رابطه زوجین است، لازمه تقویت زندگی خانوادگی، ثبات و دوام آن و نوع نگرش و طرز تعامل زوجین با یکدیگر است (دربانی، فرخزاد و لطفی کاشانی، ۱۳۹۹). ناسازگاری درون خانواده سبب می‌شود تا روابط اعضای خانواده بهم بخورد و ازهم بگسلد و وحدت میان اعضای آن به خطر بیفتد و در نهایت منجر به فروپاشی آن شود (صابونچی، دوگانه‌ای فرد و بهبودی، ۱۳۹۹). زندگی مشترک از عوامل متعددی متأثر می‌شود که پاره‌ای از آنها ممکن است زوج‌ها را به طرف اختلاف و درگیری، جدایی روانی و دلزدگی و حتی طلاق سوق دهد (خسروی و همکاران، ۱۳۹۸). یکی از معضلات اجتماعی امروز در زندگی مشترک زوجین ظهور پدیده‌ای به اصطلاح مدرن به نام طلاق عاطفی است. طلاق عاطفی زوایای پنهان و مستتری دارد که بررسی و شناخت آن نیازمند مطالعات فراوان و دقیق است (رضوانی و صائمی، ۱۳۹۸). برخی از افراد، طلاق را در شرایطی رهایی بخش می‌خوانند که خانواده در آتش ستیز و آشوب می‌سوزد و فرزندان در معرض بیماری‌های روانی پایا هستند. در این زمان، طلاق می‌تواند درمان نهایی باشد. اما برخی زوجین به دلیل ساختار فرهنگی جامعه، تاکید اسلام بر قیام طلاق و پیامدهای طلاق به خصوص با وجود فرزندان، حاضر به جدایی نیستند و برای سال‌های زیادی به زندگی سرد و توأم با فرسایش روحی و روانی و حتی جسمی ادامه می‌دهند. در این موارد، طلاق عاطفی اتفاق می‌افتد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵). طلاق عاطفی وضعیتی است که در ظاهر، ساختار خانواده حفظ می‌شود، ولی در واقع، خانواده از درون تهی است. چرا که رابطه عاطفی مثبت میان زوجین، از میان رفته و روابط منفی عاطفی جای آن را گرفته است. پس از به وجود آمدن این احساس سرخوردگی، همسرشان را در قبل و بعد از ازدواج مقایسه می‌کنند و در پی آن، احساسات منفی، حالت غالب به خود می‌گیرد و به ازدست دادن شور و شوق اولیه، وابستگی عاطفی و در نهایت، بروز طلاق عاطفی منجر می‌شود (پروین و همکاران، ۱۳۹۳).

در بررسی علت طلاق عاطفی علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، توجه به علل فردی و روانشناختی از جمله طرح واره‌ها که منجر به طلاق می‌شوند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (گاتمن، ۱۹۹۳). اصطلاح طرح واره برای اولین بار توسط آدلر^۱ در سال ۱۹۲۹ به کار برده شد. آدلر معتقد بود که آسیب‌شناسی روانی بازتاب طرح واره‌های ناسالم و روان نژند است که زیربنای سبک زندگی به شمار می‌روند (اسپری^۲، ۱۹۹۹؛ به نقل از یانگ، ترجمه صاحبی و حمید پور، ۱۳۹۹). در حوزه شناختی تعاریف زیادی از طرح واره ارائه شده است و به طور کلی طرح واره را همچون باورهای بنیادینی تعریف می‌کنند که تشکیل دهنده دیدگاه فرد درباره خود، جهان اطراف و دیگران است (یانگ، ترجمه صاحبی و حمید پور، ۱۳۹۹). طبق تعریف یانگ، طرح واره‌های ناسازگار اولیه، الگوها یا درون مایه‌های عمیق و فراگیری هستند که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته‌اند، در مسیر زندگی تداوم دارند، به رابطه‌ی فرد با خود و دیگران مربوط می‌شوند و به شدت ناکارآمد هستند (یانگ، ۲۰۰۳؛ ترجمه

حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۸)، از خاطرات، هیجانها، شناخت‌ها و احساسات بدنی تشکیل شده‌اند (رنر، دی رابینز، آرنتر، پیترز و همکاران، ۲۰۱۸). این طرح واره‌ها به شخص کمک می‌کنند تا تجارب خود را راجع به جهان پیرامون سازمان دهند و اطلاعات دریافتی را پردازش کنند (خاشو، ون آلین، هیجنن-کوهل، کوانس و همکاران، ۲۰۱۹). در بزرگسالی مواجهه با موقعیت‌هایی که شبیه تجربه‌های تروماتیک اولیه هستند ممکن است طرح واره‌های ناسازگار اولیه مرتبط با موقعیت آغازین را فعال کند و سپس هیجان‌های منفی شدید را به وجود آورد، این هیجان‌های شدید ناشی از تجربه مجدد درد هیجانی احساس شده در طول کودکی هستند موقعی که طرح واره‌ها گسترش می‌یافتند، که به نوبه خود موجب درک نادرست از واقعیت و تحریف شناختی می‌شوند (تیلور، بی و هدوک، ۲۰۱۷). با توجه به این امر که اغلب مشکلات بین فردی که زوجین تجربه می‌کنند تحت تاثیر شیوه تصور آنها در روابط خود با دیگری است، وقتی طرحواره‌ها دچار تحریف می‌شوند، می‌توانند باعث تعارض خانوادگی شوند (مک درمورت، ۲۰۱۷). بنابراین طرحواره‌های طرد، وابستگی و اطاعت نیز می‌تواند پیش بینی کننده نارضایتی زناشویی و محرومیت عاطفی نیز پیش‌بینی کننده نارضایتی درزوج‌های ایرانی باشد (صابونچی و همکاران، ۱۳۹۹) آموزش الگوهای درست ارتباط والد-فرزند به والدین مانع شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه و آسیب‌های ناشی از آن می‌شوند (خراسانی زاده، پورشریفی، رنجبری پور، باقری و پویامنش، ۱۳۹۸) طرح واره‌های ناسازگار اولیه موجب سوگیری در تفسیرهای ما از رویدادهای به وجود آمده در زندگی زناشویی می‌شوند، که این سوگیری‌ها در آسیب شناسی روانی میان فردی به صورت سوء تفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف شده، گمانه‌زنی‌های نادرست، اهداف و چشم داشت‌های غیرواقع بینانه خود را نشان می‌دهند که تمامی آنها بر زندگی زناشویی می‌تواند اثرگذار باشد (پاسکال، کریستین و جین، ۲۰۰۸). درمورد پیشینه موضوع، یافت شد که طرح واره‌های ناسازگار اولیه در انسان همانند چهارچوبی برای پردازش اطلاعات به کار می‌روند و تعیین کننده واکنش‌های عاطفی افراد نسبت به موقعیت‌های زندگی در روابط بین فردی می‌باشند. بازدار و موسوی (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که الگوی تاثیر کمال گرایی منفی و طرح واره‌های ناسازگار اولیه بر طلاق عاطفی معنی دار است. رستمی (۱۳۹۶) دریافته‌های کلی پژوهش نشان داد که تجارب اولیه کودکی در بروز فرسودگی زناشویی و طلاق عاطفی زوجین نقش معناداری دارند و وجود طرح واره‌های ناسازگار اولیه در بسیاری از مشکلات و اختلالات ریشه دارد. رشیدی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان داد تفکر عینی از مولفه‌های ناگویی هیجانی و برخی از مولفه‌های طرح واره‌های شناختی توان پیش بینی طلاق عاطفی را دارند. لعل زاده و همکارانش (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند بین نمره کل طرح واره‌ها با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد $P < 0,01$. استیلز (۲۰۰۴) نشان داد که طرح واره ناسازگار محرومیت هیجانی پیش بینی کننده صمیمیت می‌باشد، طرح واره نقص و شرم پیش بینی کننده صمیمیت کمتر در مقیاس صمیمیت اجتماعی میلر بود و معیارهای سرسختانه به طور قابل انتظار پیش بینی کننده صمیمیت بالاتر در مقیاس نزدیکی فیشر بود (زاهدی تجربی، ۱۳۹۱). پهلوانلی، اکی زر (۲۰۲۰) پژوهشی را در رابطه با تاثیر مکان زندگی و طرح واره‌های ناسازگار اولیه بر رضایت زناشویی افراد متاهل انجام دادند. نمونه پژوهش شامل ۲۶۸ فرد متاهل ساکن در ۱۲۰ منطقه روستایی و ۱۴۸ منطقه شهری بود. که نتایج نشان داد که سطح

رضایت زناشویی افراد متاهل روستایی بیشتر از افراد ساکن در مناطق شهری است. مشخص شد که نمرات شرکت کنندگان روستایی در برخی ابعاد طرح واره بالاتر بود. علاوه بر این، طرح واره‌های ناسازگار اولیه مختلفی برای پیش بینی رضایت زناشویی در ساکنان روستایی و شهری یافت شد.

طبق تحقیقات انجام شده دلزدگی یکی از عوامل بروز طلاق عاطفی می‌باشد. بنابه اعتقاد لینگرن^۱ (۲۰۰۳) دلزدگی، از پا افتادن جسمی، عاطفی و روانی است که از عدم تناسب بین توقعات و واقعیات ناشی می‌شود. دلزدگی به علت ناکامی در عشق بروز می‌کند و پاسخی در برابر مسائل وجودی، انباشته شدن فشارهای روانی تضعیف کننده عشق و افزایش تدریجی خستگی و یکنواختی و جمع شدن رنجش‌های کوچک، به بروز دلزدگی کمک می‌کند (هادیان و امینی، ۱۳۹۸). دلزدگی زناشویی به علت مجموعه‌ای از توقعات غیر منطقی و غیرواقعی بینانه، گذار از هیجانات، بی‌دقتی و بی‌توجه بودن زوجین نسبت به هم و نیازهای یکدیگر و فرازو نشیب‌های زندگی بروزی می‌کند (پاینز، نل و هامر^۲، ۲۰۱۶). دلزدگی زناشویی یک الگوی پایه داراز نارضایتی و متمایز از دیگر حالات زناشویی است، زیرا از طرفی حالتی موقتی نبوده و از طرفی دیگر، لزوماً منجر به انحلال رابطه نمی‌شود. دلزدگی فرآیندی را توصیف می‌کند که می‌تواند تنها از سمت یک نفر (زن یا شوهر) تجربه شود. به علاوه، برخلاف تمام حالات زناشویی، در فرآیند دلزدگی زناشویی در حالی که احساس بیگانگی و بی‌تفاوتی در رابطه زناشویی ریشه می‌دواند، سطح تعارض و رویارویی در رابطه کاهش پیدا می‌کند (لسیگا، ۲۰۱۳). خسروی و همکارانش (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان دادند بین گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی با میانجی گری دلزدگی زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. عنایت پور (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان داد صمیمیت و دلزدگی در ارتباط بین باورهای ارتباطی و سازگاری بهداشتی با طلاق عاطفی نقش واسطه‌ای و تعیین کننده‌ای دارند. امیدی فروهمکارانش (۱۳۹۵) نتایج به دست آمده از پژوهششان حاکی از وجود رابطه میان راهبردهای تنظیم هیجان، دلزدگی و صمیمیت زناشویی بود. تساپلاس و همکارانش (۲۰۱۶) در پژوهشی رابطه بین دلزدگی زناشویی کنونی در رضایت زناشویی آینده را در زنان اروپایی بررسی کردند، نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که دلزدگی زناشویی کنونی، عامل پیش بینی کننده رضایت زناشویی آینده است و دلزدگی کنونی منجر به از بین رفتن صمیمیت و جدایی عاطفی زوجین می‌شود.

شواهد پژوهشی نشان داده که تنظیم هیجان یکی از عوامل مرتبط با طلاق عاطفی است، تنظیم هیجان یکی از مهمترین تکالیف برای سلامت جسمی و روانشناختی به ویژه در روابط زناشویی می‌باشد زیرا که راهبردهای تنظیم هیجانی کنش‌هایی هستند که نشانگر راه‌های کنار آمدن فرد با شرایط مختلف زندگی و موقعیت‌های استرس زا می‌باشند بنابراین کیفیت زندگی زناشویی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (درعلی و سهرابی، ۱۳۹۴). راهبردهای نظم جویی هیجانی به عنوان یک خصیصه شخصیتی در گستره هیجانات، موضوعی بسیار قابل ملاحظه است که آثار مشهود و نتایج غیر قابل انکاری بر روابط بین فردی داشته و می‌تواند گوشه‌ای از مسائل مربوط به روابط خانوادگی را در قالب روابط

1. Lingern

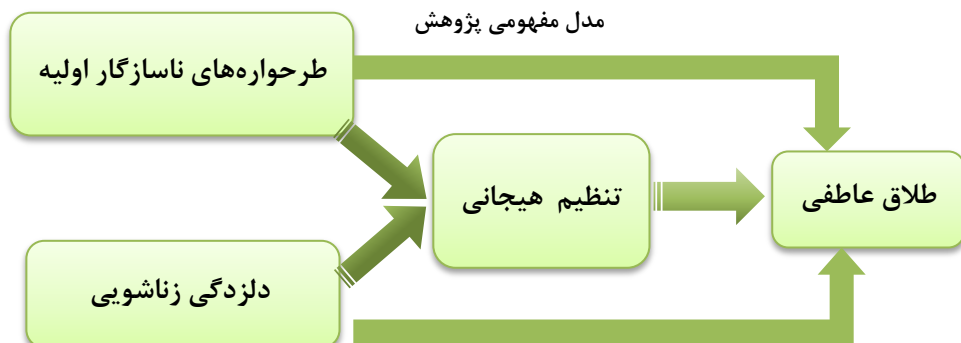
2. Nell & Hammer

عاطفی بین دو فرد که پیمان زناشویی می‌بندند روشن کند (بشارت، میرزایی، غلامعلی لواسانی و تقی پور، ۱۳۹۶). راهبردهای نظم جویی هیجانی نقش بسزایی در عملکرد روابط زناشویی ایفا می‌کند به طوری که راهبردهای نظم‌جویی هیجانی، شامل استفاده از استراتژی رفتاری و شناختی برای تغییر در مدت زمان یا شدت تجربه‌ی یک هیجان در پاسخ به نوع نیاز است که فرد از خود نشان می‌دهد (گراس و تامپسون، ۲۰۱۷). افراد در مواجهه با رویدادهای استرس‌زا، از هیجانات متفاوتی برای اصلاح یا تعدیل تجربه‌های هیجانی خود استفاده می‌کنند، آگاهی از هیجان‌ها و چگونگی اثرگذاری این آگاهی در روابط بین فردی در زندگی زناشویی موثر است (سالستاد، ۲۰۱۷). محققان بر این باورند که توانایی درک و پذیرش افکار، احساسات و عواطف یکدیگر در زندگی زناشویی با احساس رضایتمندی بیشتری همراه است. از این رو مردان و زنانی که سطح بالایی از رضایتمندی و صمیمیت در رابطه با ازدواج خود گزارش می‌کنند در پیش‌بینی احساس‌ها و باورهای شریک زندگی خود بسیار دقیق هستند و ارزش‌ها و باورهای مشابه‌ای درباره میزان نزدیکی و صمیمیت بین خود حفظ می‌کنند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۶). هر زمان که فرد دست به کاری می‌زند و آگاه می‌شود که این کار در راستای اهداف خویش بوده است، هیجانات به وجود می‌آیند (لازاروس، ۱۹۹۱). هیجانات دارای کیفیت بالایی هستند به این صورت که می‌توانند باعث واکنش مثبت یا منفی در افراد شوند. اگر متناسب با موقعیت و شرایط باشند باعث واکنش مثبت و در غیر این صورت باعث واکنش منفی می‌شود. بنابراین زمانی که هیجانات شدید می‌شوند یا طولانی می‌شوند و یا با شرایط سازگار نیستند آن زمان نیازه تنظیم کردن آنها لازم است (گراس، ۱۹۹۸). با این وجود توانایی فرد در کنترل هیجاناتش یکی از مهمترین قابلیت‌هاست که باید آموخته شود. تنظیم هیجانی به عنوان فرآیند آغاز، حفظ، تعدیل یا تغییر در بروز، شدت یا استمرار احساس درونی و هیجان مرتبط با فرآیندهای اجتماعی- روانی، فیزیکی در به انجام رساندن اهداف فرد تعریف می‌شود (ویمزوپینا، ۲۰۱۰). در روابط زوجی، فرایند تنظیم هیجان شکل پیچیده‌ای به خود می‌گیرد، چرا که تمرکز آن دیگر تنها بر هیجانات خود فرد نیست بلکه هیجانات همسرا نیز شامل می‌شود. ما اغلب به طور آگاهانه تلاش می‌کنیم که وضعیت هیجانی همسرمان را تنظیم کنیم، و همچنین در بسیاری از اوقات به طور خودکار و غیر عمدانه بر هیجانات دیگری تاثیر می‌گذاریم (ذکی و ویلیامز، ۲۰۱۳). به عبارت دیگر در روابط زوجین هر همسر بخشی از سیستم تنظیم هیجان دیگری می‌شود و واکنش‌های هیجانی او را تحت تاثیر قرار می‌دهد (باتلر، ۲۰۱۵). می‌دانیم که افراد و زوجها زمانی بهترین عملکرد را دارند که سطح برانگیختگی هیجانی شان در حد متعادل و بهینه باشد. برای زوجها حفظ سطح بهینه‌ای از برانگیختگی هیجانی، مستلزم نظارت مستمر بر هیجانات هر دو همسر و تنظیم وضعیت هیجانی هر دو همسر می‌باشد (لیونسون و همکاران، ۲۰۱۴). بر همین اساس، محققان "تنظیم هیجان مشترک" را لازمه یک ازدواج موفق دانسته‌اند. نادری نورعینی (۱۳۹۷) نشان داد که افراد روان رنجور راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد یعنی راهبرد هیجان مدار و اجتنابی بیشتر و نیز راهبرد کارآمد مقابله‌ای یعنی راهبرد مسئله مدار کمتر به کار می‌گیرند، و همچنین این افراد راهبرد غیرانطباقی تنظیم هیجان یعنی سرکوبی بیشتر و راهبرد انطباقی تنظیم هیجان یعنی ارزیابی مجدد کمتر به کار می‌گیرند، و نیز طلاق عاطفی در آنها بیشتر است. اکبری و همکارانش (۱۳۹۵) نشان دادند که

می‌توان به کمک طرح واره‌های ناسازگار اولیه و تنظیم هیجان، طلاق عاطفی زوجین را پیش بینی کرد. آبت (۲۰۰۵)، به نقل از جامعی نژاد، (۱۳۸۹) نشان داد که تنظیم هیجانی و دشواری در تنظیم هیجانی عوامل پیش بینی کننده رضایت و ناسازگاری زناشویی بود و تنظیم هیجانی بر روابط صمیمانه فرد تاثیر می‌گذارد. بنابراین دشواری در تنظیم هیجانی با رضایت زناشویی رابطه منفی داشت. لیو، وانگ، لو و شی (۲۰۱۹) پژوهشی را تحت عنوان تحلیل دوتایی بدرفتاری عاطفی دوران کودکی و رضایت زناشویی در دوران گذار به والدینی با میانجی‌گری راهبردهای تنظیم هیجان و پریشانی روانی در کشور چین انجام دادند، نتایج نشان داد که ارتباط بین بدرفتاری عاطفی دوران کودکی و رضایت زناشویی و مکانیسم‌های زیربنایی آن از دیدگاه زوجی برجسته است.

با توجه به اینکه طلاق عاطفی، همچون طلاق رسمی آسیب‌های بسیار جدی برای خانواده به همراه دارد در همین زمان است که بیشترین آسیب‌های اجتماعی، روحی و انحرافات اخلاقی از قبیل خیانت‌ها و ارتباطات خارج از حریم خانواده پیش می‌آید که متأسفانه امروزه اینگونه انحرافات اخلاقی هم در مورد مردان و هم در مورد زنان متاهل روبه افزایش و قابل تامل است. اگر طبق آمارها و گزارشات کارشناسان پذیرفته شود که میزان طلاق‌های عاطفی دوبرابر طلاق‌های رسمی است آنگاه به نگران کننده بودن این مسئله بیشتر پی برده می‌شود. این درحالی است که مسئله طلاق عاطفی در مقایسه با طلاق رسمی کمتر مورد بررسی دقیق قرار گرفته است و از آنجا که بررسی علل و عوامل آن می‌تواند در شناخت بهترین پدیده و بالطبع پیشگیری و درمان آن موثر باشد، از این رو پژوهش حاضر با هدف مدل‌یابی معادلات ساختاری طلاق عاطفی بر اساس طرح واره‌های ناسازگار اولیه، دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری تنظیم هیجان در زنان متاهل تهران انجام شد و بر این اساس فرضیه‌های پژوهش به این صورت طراحی شدند.

۱. بین طرح واره‌های ناسازگار اولیه و طلاق عاطفی در زنان متاهل تهران رابطه مستقیم وجود دارد.
۲. بین دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی در زنان متاهل تهران رابطه مستقیم وجود دارد.
۳. تنظیم هیجان در رابطه بین طرح واره‌های ناسازگار اولیه و طلاق عاطفی در زنان متاهل تهران نقش میانجی دارد.
۴. تنظیم هیجان در رابطه بین دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی در زنان متاهل تهران نقش میانجی دارد.



روش پژوهش

جامعه آماری و نمونه‌های پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به موضوع آن توصیفی و از نوع همبستگی بود. متغیرهای پیش بین در این پژوهش طرح واره‌های ناسازگار اولیه و دلزدگی زناشویی، متغیر ملاک طلاق عاطفی، و متغیر میانجی تنظیم هیجان بود. دربخش آماری و تجزیه و تحلیل داده‌ها درزمره پژوهش‌های تحلیل ماتریس کواریانس (مدلسازی معادلات ساختاری) بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان متأهل شهرتهران بود. حجم گروه نمونه از آنجا که روش‌شناسی مدل یابی معادلات ساختاری^۱، تا حدود زیادی با برخی از جنبه‌های رگرسیون چند متغیری شباهت دارد، می‌توان از اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چند متغیری برای تعیین حجم نمونه در مدل یابی معادلات ساختاری استفاده نمود (هومن، ۱۳۸۴). از دیدگاه جیمز استیونس در نظر گرفتن ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر پیش بین در تحلیل رگرسیون چندگانه با روش معمولی کمترین مجذورات استاندارد، یک قاعده سرانگشتی خوب به حساب می‌آید (هومن، ۱۳۸۴). البته روش‌های مختلفی برای پی بردن به حجم نمونه مورد نیاز در تحلیل وجود دارند که یکی از مرسوم‌ترین آنها استاندارد به مقادیر رایج است، که در این روش حجم نمونه کمتر از ۱۰۰ به عنوان کوچک، ۱۰۰ تا ۲۰۰ به عنوان حجم متوسط و بالاتر از ۲۰۰ به عنوان حجم بالا در نظر گرفته شده است. حجم‌های نمونه‌های کوچک تنها برای مدل‌های بسیار ساده، حجم‌های متوسط برای مدل‌های غیر پیچیده و حجم‌های بالا برای اکثر مدل‌ها مناسب هستند (علوی، ۱۳۹۲).

نمونه پژوهش حاضر با پیروی از این باور بر اساس ۱۵ نفر در ارتباط با هریک از متغیرها محاسبه شد که جمعا " ۳۲۰ نفر محاسبه شد، لکن به دلیل وجود ویروس کرونا وعدم دسترسی به نمونه‌های آماری فقط ۲۰۰ نفر بصورت آنلاین، نمونه آماری در دسترس پژوهش را تشکیل داد. ملاک ورود نمونه‌ها متأهل بودن و سن بین ۳۰ تا ۵۰ سال بوده است و ملاک خروج از پژوهش عدم تکمیل پرسشنامه به طور کامل بود. نمونه‌ها از مراکز مشاوره و از مشاوران انجمن حمایت از حقوق کودکان تهیه شد. در این پژوهش از ۵ پرسشنامه به عنوان مقیاس برای سنجش متغیرهای مورد مطالعه استفاده شد. یک مجموعه از پرسشنامه‌های مذکور به صورت اینترنتی (به علت وجود ویروس کرونا) در اختیار زنان متأهل تهران قرار گرفت و به شرکت کنندگان در پژوهش در مورد شرایط شرکت در پژوهش و اصول اخلاقی نظیر رضایت آگاهانه، رازداری و محرمانه ماندن اطلاعات شخصی توضیح داده شد و تقاضا شد که پرسشنامه‌ها تکمیل شود، این مجموعه، سوالاتی از قبیل سن فرد، مدت زمان ازدواج، تعداد فرزندان، تحصیلات و شغل شروع می‌شد، و سپس هر فرد پرسشنامه‌های طلاق عاطفی، طرح واره‌های ناسازگار اولیه، دلزدگی زناشویی و تنظیم هیجان را پاسخگو می‌بود پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها از طریق اینترنتی، پرسشنامه‌هایی که به طور کامل توسط زنان متأهل تکمیل گردیده بود، انتخاب شد و

در محیط نرم افزار SPSS26 و AMOS²⁴ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت و جهت تحلیل روابط واسطه‌ای نیز از روش بوت استرپ در برنامه MACRO پریپروهایز (۲۰۰۸) استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

۱. پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (EDQ)

پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۹) برای اندازه‌گیری میزان طلاق عاطفی افراد طراحی شده است. این پرسشنامه، تعاملی بوده و فاقد مولفه است. این پرسشنامه در ۲۴ گویه به شکل دوگزینه‌ای (بله یا خیر) تنظیم شده است. پس از جمع کردن پاسخ‌های مثبت، چنانچه تعداد آن برابر ۸ و بالاتر باشد به معنای این است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی در وی مشهود است. در نسخه اصلی ضریب پایایی مقیاس ۰/۷۰ گزارش شده است. موسوی و همکارانش (۱۳۹۴)، پایایی کل این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۳ گزارش کردند. مقادیر اشتراک و بارعاملی گویه‌های مقیاس، نشان داد که بارعاملی همه سوالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته و بارعاملی قابل قبولی دارند. روایی صوری این پرسشنامه نیز با نظرهفت نفر از اعضای هیئت علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا تایید شده است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای نمره کل برابر ۰/۸۰۲ بدست آمد.

۲. پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه - فرم کوتاه (YSQ-SF2)

پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، این پرسشنامه ۷۵ عبارتی توسط یانگ (۱۹۹۸) ساخته شده و شامل ۵ حوزه طرح‌واره‌ای است. در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً درست درباره من برابر ۵ تا کاملاً غلط درباره من برابر با ۱، حوزه طرح‌واره‌های بریدگی و طرد با سوال‌های ۱ تا ۲۵، خودگردانی و عملکرد مختل با سوال‌های ۲۶ تا ۴۵، دیگر جهت مندی با سوال‌های ۴۶ تا ۵۵، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری با سوال‌های ۵۶ تا ۶۵، محدودیت‌های مختل با سوال‌های ۶۶ تا ۷۵ ارزیابی می‌شود (خراسانی زاده، پورشریفی، رنجبری پور، باقری و پویامنش؛ ۱۳۹۸). والر، می‌یر و هنیان (۲۰۰۱) برای تمام حوزه‌ها ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۸ و روایی مطلوبی گزارش کردند. خراسانی زاده و همکاران (۱۳۹۸) نسخه کوتاه پرسشنامه طرح‌واره یانگ را در مورد ۴۲۰ نفر از دانشجویان اجرا و ضریب همسانی درونی پرسشنامه را از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت مندی، محدودیت‌های مختل و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۸۲، ۰/۸۹، ۰/۷۹، ۰/۸، گزارش کردند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای نمره کل برابر ۰/۷۵۹ بدست آمد.

۳. مقیاس دلزدگی زناشویی (CBM)

مقیاس دلزدگی شریک زندگی یک ابزار خود گزارش‌دهی است که برای اندازه‌گیری درجه دلزدگی روابط بین زوجها طراحی شده است. این مقیاس توسط پاینز (۱۹۹۶) ابداع شده است. این مقیاس ۲۱ ماده دارد که شامل ۳ جزء اصلی خستگی جسمی (مثلاً احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب) از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، دردم افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) است. تمام این موارد روی یک مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای نمره گذاری می‌شود. سطح ۱، معرف عدم تجربه عبارت مورد نظر و سطح ۷ معرف تجربه زیاد عبارت مورد نظر است. برای به دست آوردن میزان دلزدگی بین زوجها دستورالعمل زیراجرامیگردد: مرحله اول: امتیازهایی که به مواد ۱، ۲، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱ داده شده‌اند با هم جمع می‌شوند. مرحله دوم: امتیازهایی که به مواد ۳، ۶، ۱۹، ۲۰ داده شده‌اند با هم جمع می‌شوند. مرحله سوم: امتیاز مرحله دوم از عدد ۳۲ کم می‌شود. مرحله چهارم: امتیاز مرحله اول با مرحله سوم جمع می‌شود. مرحله پنجم: عدد مرحله چهارم بر عدد ۲۱ تقسیم می‌شود. عدد حاصل درجه دلزدگی را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که اعداد بزرگتر بیانگر میزان دلزدگی بالاتر هستند.

ارزیابی ضریب اعتبار مقیاس دلزدگی زناشویی نشان داده است که این مقیاس دارای همسانی درونی در دامنه ۰/۸۴ و ۰/۹۰ است. روایی به وسیله همبستگی‌های منفی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت به تایید رسیده است مانند نظر مثبت در ارتباط، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خود شکوفایی، احساس هدفمندی، کشش و جاذبه عاطفی نسبت به همسر و کیفیت رابطه جنسی آنها. نسخه‌های ترجمه شده مقیاس به طور موفقیت آمیزی در مطالعات بین فرهنگی درنروژ، مجارستان، مکزیک، اسپانیا، پرتغال، فنلاند و اسرائیل استفاده شده است (پاینز و نانز، ۲۰۰۳؛ لائس و لائس، ۲۰۰۱). اعتبار با استفاده از شیوه آزمون-بازآزمون ۰/۸۹ برای یک دوره یک ماهه، ۰/۷۶ برای یک دوره دو ماهه و ۰/۶۶ برای دوره چهار ماهه بود. تداوم درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضریب ثابت آلفا سنجیده شد که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود (پاینز، ۱۹۹۶). در ایران نیز نویدی (۱۳۸۴) آلفای کرونباخ این مقیاس را در مورد ۲۴۰ نمونه ۱۲۰ پرستار و ۱۲ معلم اندازه‌گیری کرد و ضریب اعتبار را ۰/۸۶ به دست آورد. همچنین در پژوهش حسینی (۱۳۹۸) آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۵ به دست آمد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای نمره کل برابر ۰/۷۴۱ بدست آمد.

۴. مقیاس تنظیم هیجان (ERS)

این مقیاس در سال ۲۰۰۳ توسط گراس و جان تهیه و از ۱۰ گویه تشکیل شده که دارای دو خرده مقیاس ارزیابی مجدد با ۶ گویه و سرکوب هیجان با ۴ گویه می‌باشد. پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۷) می‌باشد. آلفای کرونباخ برای ارزیابی مجدد ۰/۷۹ و

برای سرکوب هیجانی ۰/۷۳ و اعتبار بازآزمایی بعد از سه ماه برای کل مقیاس ۰/۶۹ گزارش شده است (گراس و جان، ۲۰۰۳). همبستگی ارزیابی مجدد با مقیاس عواطف مثبت (۰/۲۴) و عواطف منفی (۰/۱۴-) و سرکوب هیجان با مقیاس عواطف مثبت (۰/۱۵-) و عواطف منفی (۰/۰۴) گزارش شده است (بالموریتی، جان و گراس، ۲۰۱۰). اعتبار این مقیاس در ایران توسط قاسم پور، ایل بیگی، حسن‌زاده سال ۱۳۹۱ بر اساس روش همسانی درونی (با دامنه آلفای کرونباخ ۰/۶۰ تا ۰/۸۱) و روایی پرسشنامه مذکوراز طریق تحلیل مولفه اصلی با استفاده از چرخش واریماکس، همبستگی بین دو خرده مقیاس ۰/۱۳= و روایی ملاکی مطلوب گزارش شده است (مشهدی، علی؛ قاسمپور، عبدالله؛ اکبری، ابراهیم؛ ایل بیگی، رضا؛ و حسن زاده، شهناز ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای نمره کل برابر ۰/۷۹۲ بدست آمد.

نتایج

در بررسی داده‌های به دست آمده از ۲۰۰ زن متاهل تهرانی در بخش توصیفی، یافته‌ها نشان داد که: تعداد ۱۳۳ نفر (۶۶/۵ درصد) خانه دار بودند، ۶۲ نفر (۳۱ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی، ۱۳۶ نفر (۶۸ درصد) طول مدت ازدواجشان بین ۲۰-۱۱ سال بود، و ۸۸ نفر (۴۴ درصد) دارای یک فرزند بودند. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱، شاخص‌های کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری را نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود، مقدار چولگی مشاهده شده برای متغیرهای پژوهش در بازه (۲، -۲) قرار دارد یعنی از لحاظ کجی متغیرهای پژوهش نرمال بوده و توزیع آنها متقارن است. هم چنین مقدار کشیدگی آنها نیز در بازه (۲، -۲) قرار دارد، این نشان می‌دهد توزیع متغیرهای مورد مطالعه از کشیدگی نرمال برخوردار است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای طرح واره‌های ناسازگار اولیه، دزدگی زناشویی، تنظیم هیجان و طلاق عاطفی در زنان متأهل تهران (n=۲۰۰)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	بیشینه-کمینه	کجی	کشیدگی
بریدگی و طرد	۹۶/۷۷	۳۶/۸۱	۱۴۷-۲۵	-۰/۴۹۷	-۰/۶۲۵
خودگردانی و عملکرد مختل	۷۶/۴۸	۲۹/۴۰	۱۱۸-۲۰	-۰/۲۱۷	-۰/۷۸۶
جهت مندی	۳۰/۵۸	۱۴/۲۶	۶۰-۱۰	-۰/۳۶۷	-۰/۹۶۹
گوش بزنگی بیش از حد و بازداری	۳۶/۲۶	۱۲/۹۵	۵۷-۱۰	-۰/۳۰۸	-۰/۹۷۱
محدودیت‌های مختل	۳۸/۸۵	۱۴/۸۹	۵۷-۱۰	-۰/۴۹۶	-۱/۰۱۸
دزدگی زناشویی	۸۳/۳۸	۳۴/۸۰	۱۴۵-۲۱	-۰/۳۲۲	-۰/۷۹۳
از پافتادن جسمی	۲۵/۱۸	۱۱/۹۳	۴۲-۶	-۰/۱۵۹	-۰/۳۵۱
از پافتادن روانی	۲۷/۶۴	۱۳/۴۶	۴۹-۷	-۰/۰۱۰	-۱/۲۵۹
از پافتادن عاطفی	۳۰/۵۶	۱۳/۲۵	۵۴-۸	-۰/۰۹۸	-۰/۷۶۸
تنظیم هیجان	۴۱/۸۸	۱۸/۳۵	۶۹-۱۰	-۰/۱۲۴	-۱/۳۷۸
سرکوب هیجان	۱۸/۴۰	۸/۳۰	۲۸-۴	-۰/۴۱۴	-۱/۳۴۰
ارزیابی مجدد	۲۳/۴۷	۱۱/۲۵	۴۲-۶	۰/۱۸۱	-۱/۳۰۴
طلاق عاطفی	۱۱/۲۱	۶/۲۸	۲۳-۰	-۰/۰۹۲	-۱/۴۴۵

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای برونزا، میانجی و درونزا مدل نهایی

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
							۱
						۱	۰/۴۵۲**
					۱	۰/۲۳۷**	۰/۷۲۲**
				۱	۰/۴۳۶**	۰/۷۶۶**	۰/۳۹۲**
			۱	۰/۴۰۱**	۰/۴۹۳**	۰/۶۹۴**	۰/۶۲۸**
		۱	۰/۴۱۶**	۰/۷۰۳**	۰/۵۰۵**	۰/۶۵۹**	۰/۴۹۰**
	۱	-۰/۳۶۷**	-۰/۶۷۲**	-۰/۲۵۵**	-۰/۲۳۰**	-۰/۴۱۴**	-۰/۴۵۸**
۱	-۰/۵۸۴**	۰/۳۷۸**	۰/۵۰۹**	۰/۴۲۸**	۰/۴۶۹**	۰/۴۰۰**	۰/۵۶۸**

** P<01/0

جدول ۲ اطلاعات مربوط به همبستگی پیرسون بین طرح واره‌های ناسازگار اولیه، دلزدگی زناشویی، تنظیم هیجان، و طلاق عاطفی را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج ماتریس همبستگی، بین طرح واره‌های ناسازگار اولیه و دلزدگی زناشویی با تنظیم هیجان رابطه منفی و معنادار و با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). هم‌چنین بین تنظیم هیجان با طلاق عاطفی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). در پژوهش حاضر جهت بررسی برازش رابطه از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. پیش از کاربرد این روش، بررسی پیش فرض‌های این رویکرد آماری ضروری است. بنابراین نهاد کلاین (۲۰۱۶) مفروضه‌های بهنجاری تک متغیری به کمک برآورد مقادیر کجی و کشیدگی آزمون و تایید شدند. با توجه به اینکه دامنه کجی و کشیدگی متغیرها در بازه $2 \pm$ قرارداشت، نرمال بودن تک متغیری مورد تایید قرار گرفت. جهت بررسی نرمال بودن چند متغیری از ضریب کشیدگی استاندارد شده مردیا^۱ و نسبت بحرانی استفاده شده است. بنابراین نهاد بلانچ^۲ (۲۰۱۲)، مقادیر کوچکتر از ۵ برای نسبت بحرانی به‌عنوان عدم تخطی از نرمال بودن چند متغیره در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش ضریب مردیا $4/563$ و نسبت بحرانی $2/770$ به دست آمده که کمتر از عدد ۵ می‌باشد. بنابراین فرض نرمال بودن چند متغیری برقرار است. جهت بررسی عدم وجود داده‌های پرت چند متغیری، شاخص فاصله ماهالانوبیس^۳، مورد بررسی قرار گرفت و سطوح معناداری کمتر از $0/05$ حاکی از دور افتاده بودن داده‌های پرت مورد نظر است. براساس این شاخص، داده پرت شناسایی نشد. بنابراین بررسی پیش فرض‌های آماری نشان داد که روش مدل‌یابی معادلات ساختاری روش مناسبی برای ارزیابی برازش مدل است و جهت برآورد پارامترها از روش بیشینه درست‌نمایی^۴ استفاده شده است. نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی و اصلاح شده این الگو در جدول ۳ نشان داده شده است. پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازندگی الگوی پیشنهادی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اینکه مقادیر شاخص‌های برازش CMIN/DF کوچکتر از ۵ و RMSEA کمتر از $0/1$ می‌باشد، برازش مدل پیشنهادی تأیید می‌شود (۲۰۱). در گام بعدی جهت ارتقای مدل مسیرهای غیر معنی دار حذف گردیدند و در گام نهایی با رسم همبستگی بین خطاهای کوواریانس^۵، الگوی نهایی پژوهش صورت گرفت. نتایج شاخص‌های برازش نشان می‌دهد بعد از اصلاحات، الگوی نهایی مدل پژوهش از برازش خوبی برخوردار است.

1. Mardia standardized kurtosis coefficient
2. Blunch
3. Mahalanobis d-squared method
4. Maximum likelihood (ML)
5. drawing a correlation between the errors

جدول ۳. شاخص‌های برازندگی الگوی پیشنهادی، اصلاح شده و نهایی پژوهش حاضر

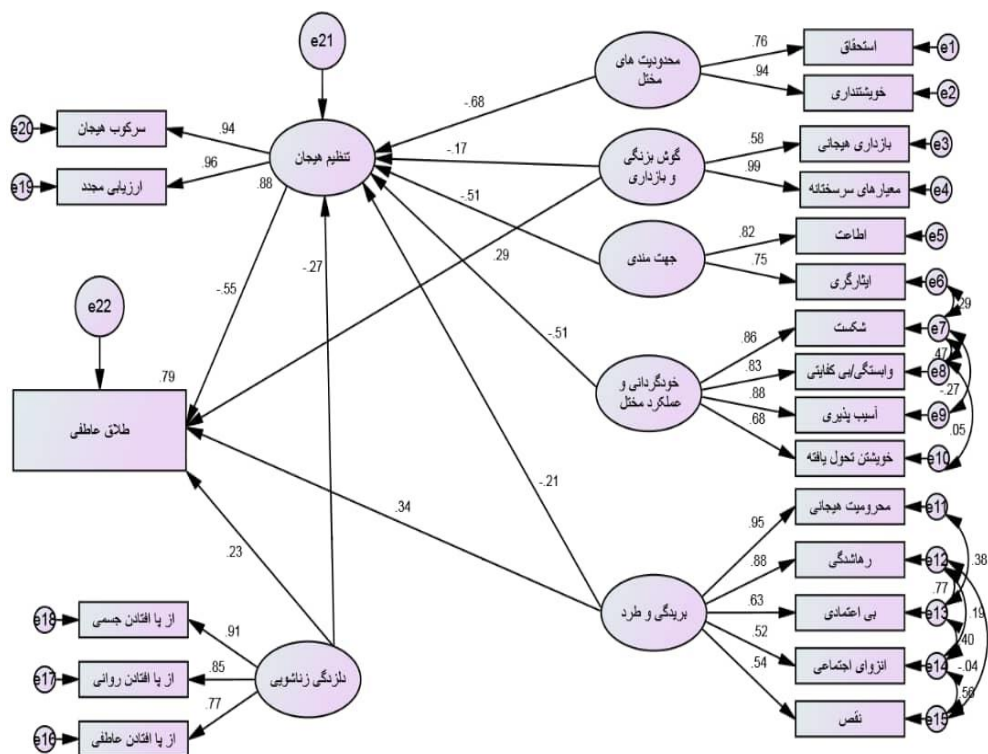
GFI	IFI	PCFI	CFI	PNFI	RMSEA	CMIN /Df	p - value	df	χ^2	شاخص‌های برازندگی الگو
۰/۹۱۲	۰/۹۰۱	۰/۵۱۸	۰/۸۹۹	۰/۵۱۰	۰/۰۶۴	۲/۲۲۱	<۰/۰۰۱	۱۷۸	۳۹۴/۵۲۶	الگوی پیشنهادی
۰/۹۲۱	۰/۹۱۰	۰/۵۲۰	۰/۹۰۸	۰/۵۱۲	۰/۰۶۲	۱/۹۷۹	<۰/۰۰۱	۱۸۱	۳۵۸/۲۶۹	الگوی اصلاح شده اول
۰/۹۳۴	۰/۹۱۲	۰/۵۲۳	۰/۹۱۱	۰/۵۱۴	۰/۰۵۸	۱/۶۱۶	<۰/۰۰۱	۱۷۱	۲۷۶/۳۴۱	الگوی نهایی

*میزان قابل قبول شاخص‌ها (>۰.۵)، PCFI، PNFI، IFI، GFI، CFI، RMSEA (<۰.۰۸)، CMIN/DF (۳)، خوب، <۰.۵ قابل قبول)، (۵)
 *Abbreviations; CMIN/DF: Chi-square/degree-of-freedom ratio; RMSEA: Root Mean Square Error of Approximation; PCFI: Parsimonious Comparative Fit Index; GFI: Goodness of Fit Index; PNFI:

شاخص R2 میزان واریانس تبیین شده متغیرهای نهفته درونزا را نشان می‌دهد. چین (۱۹۹۸) مقادیر R2، ۰/۶۷، ۰/۳۳ و ۰/۱۹ را در معادلات ساختاری به ترتیب قوی، متوسط و ضعیف توصیف می‌کند. ضریب تعیین متغیر طلاق عاطفی ۰/۷۸۹ می‌باشد که نشان می‌دهد تمامی متغیرهای برونزا و میانجی یعنی طرح واره‌های ناسازگار اولیه، دلزدگی زناشویی، و تنظیم هیجان می‌توانند ۷۹ درصد از تغییرات طلاق عاطفی را پیش بینی کنند که این میزان در حد قوی می‌باشد. هم‌چنین مشاهده می‌شود، ضریب تعیین متغیر تنظیم هیجان ۸۸ درصد در حد قوی می‌باشد. جدول ۴ نیز ضرایب استاندارد مسیرها و شکل ۱ الگوی نهایی پژوهش (اصلاح شده) را نشان می‌دهد.

بنابراین با توجه به شاخص‌های برآورد شده، نتایج نشان می‌دهد رابطه ساختاری اصلاح شده‌ی طرح واره‌های ناسازگار اولیه، و دلزدگی زناشویی با طلاق عاطفی از طریق میانجی‌گری تنظیم هیجان در زنان متأهل تهران برازش دارد.

نتایج حاصل از روابط مستقیم متغیرهای پژوهش در مدل نهایی (اصلاح شده) نشان می‌دهد که بین بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، جهت مندی، گوش بزنگی بیش از حد و بازداری، و محدودیت مختل با تنظیم هیجان، و هم‌چنین بین دلزدگی زناشویی با تنظیم هیجان رابطه منفی و معنادار وجود داشت. از طرفی بریدگی و طرد، گوش بزنگی بیش از حد و بازداری، و دلزدگی زناشویی با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. با استناد به جدول ۴ می‌توان ضرایب استاندارد کلیه مسیرها و مقادیر بحرانی را در الگوی نهایی مشاهده کرد.



شکل ۱. ضرایب استاندارد مدل الگوی نهایی (اصلاح شده) رابطه ساختاری طرح واژه‌های ناسازگار اولیه، دزدگی زناشویی با طلاق عاطفی از طریق میانجی‌گری تنظیم هیجان در زنان متأهل تهران

جدول ۴. ضرایب استاندارد مسیرهای الگوی نهایی (اصلاح شده)

سطح معناداری (P)	نسبت بحرانی	خطای معیار	ضرایب استاندارد	مسیر
<۰/۰۰۱	-۱۰/۷۶۸	۰/۰۴۰	-۰/۲۱۱	بریدگی و طرد ---< تنظیم هیجان
<۰/۰۰۱	۹/۰۴۹	۰/۰۲۸	۰/۳۴۳	بریدگی و طرد ---< طلاق عاطفی
<۰/۰۰۱	-۱۶/۵۲۱	۰/۰۷۲	-۰/۵۱۳	خودگردانی و عملکرد مختل ---< تنظیم هیجان
۰/۸۰۵	۰/۲۴۷	۰/۰۹۲	۰/۰۲۷	خودگردانی و عملکرد مختل ---< طلاق عاطفی
<۰/۰۰۱	-۱۴/۸۱۶	۰/۰۹۱	-۰/۵۰۶	جهت مندی ---< تنظیم هیجان
۰/۰۶۶	۱/۸۳۷	۰/۱۱۳	۰/۲۱۰	جهت مندی ---< طلاق عاطفی
<۰/۰۰۱	-۶/۸۱۰	۰/۱۰۸	-۰/۱۶۹	گوش بزنگی بیش از حد و بازداری ---< تنظیم هیجان
<۰/۰۰۱	۶/۳۵۳	۰/۰۷۲	۰/۲۹۴	گوش بزنگی بیش از حد و بازداری ---< طلاق عاطفی
<۰/۰۰۱	-۱۵/۰۵۲	۰/۱۳۸	-۰/۶۷۵	محدودیت‌های مختل ---< تنظیم هیجان
۰/۳۰۶	۱/۰۲۳	۰/۱۸۸	۰/۱۶۶	محدودیت‌های مختل ---< طلاق عاطفی
<۰/۰۰۱	-۱۱/۰۲۵	۰/۰۴۴	-۰/۲۷۳	دلزدگی زناشویی ---< تنظیم هیجان
<۰/۰۰۱	۵/۸۳۲	۰/۰۲۵	۰/۲۳۴	دلزدگی زناشویی ---< طلاق عاطفی

در ادامه نتایج حاصل از روابط واسطه‌ای با استفاده از آزمون بوت استرپ در برنامه MACRO پریچروهایز (۲۰۰۸) به جهت آزمون مسیرهای واسطه‌ای در جدول ۵ نشان داده شده‌اند. در الگوی نهایی پژوهش حاضر شش مسیر غیرمستقیم یا واسطه‌ای وجود دارد. برای تعیین معناداری هریک از روابط واسطه‌ای و اثر غیرمستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته از طریق میانجی از روش بوت استرپ^۱ استفاده گردیده است. نتایج بوت استرپ برای مسیرهای واسطه‌ای الگوی نهایی پژوهش حاضر را می‌توان در جدول ۵ مشاهده نمود. در جدول ۵، منظور از داده^۲، اثر غیرمستقیم در نمونه اصلی؛ و بوت^۳، میانگین برآوردهای اثر غیرمستقیم در نمونه‌های بوت استرپ است. هم چنین، در این جدول، سوگیری^۴، بیانگر تفاضل بین داده و بوت و خطای معیار نیز نشان دهنده انحراف معیار برآوردهای غیرمستقیم در نمونه‌های بوت استرپ است.

1. Bootstrap
2. Data
3. Boot
4. Bias

جدول ۵. نتایج بوت استرپ برای مسیرهای غیرمستقیم الگوی نهایی

سطح معناداری	شاخص					مسیر	
	حد بالا	حد پایین	خطا	سوگیری	بوت داده		
< ۰/۰۰۱	۰/۰۴۲۹	۰/۰۲۱۸	۰/۰۰۵۵	۰/۰۰۰۱	۰/۰۳۲۰	۰/۰۳۱۹	بریدگی و طرد به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجانی
< ۰/۰۰۱	۰/۰۶۰۱	۰/۰۳۰۱	۰/۰۰۷۷	۰/۰۰۰۱	۰/۰۴۴۷	۰/۰۴۴۶	خودگردانی و عملکرد مختل به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجانی
۰/۰۰۱	۰/۰۸۲۹	۰/۰۲۱۲	۰/۰۱۵۶	۰/۰۰۰۳	۰/۰۵۰۹	۰/۰۵۰۶	جهت مندی به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجانی
۰/۰۱۸	۰/۰۹۳۲	۰/۰۳۲۳	۰/۰۱۵۳	۰/۰۰۰۲	۰/۰۶۲۸	۰/۰۶۲۶	گوش بزنگی بیش از حد و بازداری به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجانی
< ۰/۰۰۰۱	۰/۱۶۴۸	۰/۰۸۲۶	۰/۰۲۰۹	۰/۰۰۰۲	۰/۱۲۵۲	۰/۱۲۵۰	محدودیت‌های مختل به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجانی
< ۰/۰۰۰۱	۰/۰۴۵۶	۰/۰۲۳۳	۰/۰۰۵۷	۰/۰۰۰۲	۰/۰۳۴۱	۰/۰۳۳۹	دلزدگی زناشویی به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجانی

نتایج آزمون بوت استرپ نشان داد که اثر غیرمستقیم بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، جهت مندی، گوش بزنگی بیش از حد و بازداری، و محدودیت‌های مختل به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجان به ترتیب برابر ۰/۰۳۲۰، ۰/۰۴۴۷، ۰/۰۵۰۹، ۰/۰۶۲۸، ۰/۱۲۵۲ و اثر غیرمستقیم دلزدگی زناشویی به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجان برابر ۰/۰۳۴۱ بدست آمد که از لحاظ آماری معنا دار بودند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مدل یابی معادلات ساختاری طلاق عاطفی براساس طرح واژه‌های ناسازگار اولیه، دلزدگی زناشویی با میانجی گری تنظیم هیجان در زنان متأهل تهران انجام شد. برآیند یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن بود که استفاده از روش مدل یابی معادلات ساختاری برای ارزیابی چگونگی برازش مدل ساختاری با داده‌های گردآوری شده تحلیل نهایی طراحی مدل ساختاری مناسب برای پیش بینی طلاق عاطفی براساس طرح واژه‌های ناسازگار اولیه، دلزدگی زناشویی با میانجی گری تنظیم هیجان با مدل نظری مطابقت دارد، بنابراین چنین نتیجه‌گیری می‌شود که مدل ساختاری پژوهش با داده‌های گردآوری شده برازش دارد. نتایج ماتریس همبستگی، بین طرح واژه‌های ناسازگار اولیه و

دلزدگی زناشویی با تنظیم هیجان رابطه منفی و معنادار و با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). هم چنین بین تنظیم هیجان با طلاق عاطفی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که طرح واره‌های ناسازگار اولیه فقط بریدگی و طرد، و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری مجدد اثر مستقیم مثبت و معنادار بر طلاق عاطفی دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش بازداروموسوی (۱۳۹۷)، رستمی (۱۳۹۶)، رشیدی (۱۳۹۴)، لعل زاده و همکارانش (۱۳۹۴)، استابلیز (۲۰۰۴)، زاهدی تجربی (۱۳۹۱)، اندوز و حمیدپور (۲۰۰۶)، ذوالفقاری و همکارانش (۲۰۰۸)، یوسفی (۱۳۹۲) همخوانی دارد. برای مثال رستمی، عثمان (۱۳۹۶) دریافت‌های کلی پژوهش نشان داد که تجارب اولیه کودکی در بروز فرسودگی زناشویی و طلاق عاطفی زوجین نقش معناداری دارند و وجود طرح واره‌های ناسازگار اولیه در بسیاری از مشکلات و اختلالات ریشه دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، هرچه حضور طرح واره‌های ناسازگار اولیه افزایش یابد، رضایت و صمیمیت زناشویی کاهش می‌یابد. در خانواده هسته‌ای و همزمان با تحول و رشد کودک، عوامل اثرگذار دیگری مانند همسالان و مدرسه و... باعث شکل‌گیری طرح واره‌هایی در فرد می‌شوند که عمیق ترین سطح شناختی بوده و هسته‌ای خود پنداره افراد را شکل می‌دهند و مانند عدسی‌هایی عمل می‌کنند که تفسیر و انتخاب و ارزیابی فرد از تجارب او را شکل داده و روی درک او از خود و دیگران و دنیای اطراف اثر می‌گذارد. در واقع طرح واره‌ها به شکل الگوی تنظیم کننده روابط بین فردی عمل می‌کنند. عواملی که باعث اکتساب طرح واره‌ها می‌شوند: ناکامی در ارضاء نیازها، آسیب دیدن، تجربه همانند سازی با والدین و خلق و خوی کودک است که موجب سوگیری در تفاسیر فرد از رویدادها می‌شود و در روابط بین فردی خود را به شکل سوء تفاهم‌ها و نگرش‌های تحریف شده و گمانه‌های نادرست و اهداف غیرواقع بینانه نشان می‌دهند و می‌توانند باعث آسیب جدی رابطه شوند از آنجا که طرح واره‌های ناسازگار ناکارآمدند، نارضایتی و عدم صمیمیت در روابط زناشویی را در پی دارند و زمینه را برای جدایی فراهم می‌کنند و به همین خاطر است که طلاق عاطفی ایجاد می‌شود (یانگ، ۲۰۰۳). بر اساس یافته‌های بدست آمده نشان داده شد که دو حوزه بریدگی و طرد و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری بر روی طلاق عاطفی تاثیرگذار می‌باشد. افرادی که طرح واره‌هایشان در حوزه بریدگی و طرد قرار دارد، نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت بخشی با دیگران برقرار کنند. چنین افرادی معتقدند که نیاز آنها برای امنیت، ثبات، محبت، همدلی، در میان گذاشتن احساسات، پذیرش و احترام به شیوه قابل پیش بینی ارضاء نخواهند شد. افرادی که طرح واره‌هایشان در حوزه گوش بزنگی بیش از حد و بازداری قرار دارد تاکید افراطی بر واپس زنی احساسات، تکانه‌ها و انتخاب‌های خود انگیزه فرد یا برآورده ساختن قواعد و انتظارات انعطاف ناپذیر و درونی شده درباره عملکرد و رفتار اخلاقی که اغلب منجر به از بین رفتن خوشحالی، ابزار عقیده، آرامش خاطر، روابط نزدیک و سلامتی می‌شود (یانگ، ۲۰۰۳). یانگ و کلووسکی (۱۹۹۷) چنین فرض کردند که رضایت در روابط نزدیک و دوستانه فقط زمانی دیده می‌شود که هم نیازهای رشدی به طور مقتضی برآورده شده باشند و هم نیازهای بزرگسالی ارضا شوند، چون هریک از زوجین علاوه بر طرح واره‌هایی که با خود به رابطه می‌آورند در ارتباط فعلی خود

نیز طرح‌واره‌هایی به وجود می‌آورند که خاص این رابطه هستند (داتیلیو^۱ و بیرشک، ۱۳۸۵). زمانی که نیازها برآورده نشوند ممکن است طرح‌واره‌های ناسازگار خاصی ایجاد شوند که پیش‌بینی طلاق عاطفی باشد.

نتایج نشان داد که دلزدگی زناشویی بر طلاق عاطفی اثر مستقیم مثبت و معنادار دارد. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های خسروی و همکارانش (۱۳۹۸)، عنایت پور (۱۳۹۵)، تساپلاس و همکارانش (۲۰۱۶)، وایت، کلین و میلر (۲۰۰۵) هخوانی دارد. برای مثال تساپلاس و همکارانش (۲۰۱۶) در پژوهشی رابطه بین دلزدگی زناشویی کنونی و رضایت زناشویی آینده را در زنان اروپایی بررسی کردند. در پژوهش آنها، ۱۲۳ زوج شرکت کردند، نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که دلزدگی زناشویی کنونی، عامل پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی آینده است و دلزدگی کنونی منجر به از بین رفتن صمیمیت و جدایی عاطفی زوجین می‌شود. در تبیین این پژوهش می‌توان گفت که وجود تمایز یافتگی در افراد می‌تواند از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری کند و برعکس افرادی که تمایز یافتگی پایین دارند در برخورد با مسائل، به جای تصمیمات منطقی و عقلانی، شدیداً احساسی می‌شوند و با استرس و اضطراب خود، مشکلات را تشدید می‌کنند. هرچند بعضی از مشکلات در زندگی زناشویی باعث نمی‌شود که زوجین طلاق بگیرند، ولی به تدریج باعث طلاق عاطفی زوجین خواهد شد که می‌تواند ریشه در تمایز یافتگی خود در زوجین باشد. طلاق عاطفی می‌تواند زندگی را برای افراد سخت و دشوار کند و باعث بروز مشکلات متعدد دیگری شود، در واقع، آنچه رابطه تمایز یافتگی خود از طریق دلزدگی زناشویی بر طلاق عاطفی تبیین می‌کند، جدایی‌های عاطفی است که زن و شوهرهای تمایز نیافته پس از ایجاد موقعیت‌های تعارضی، دچار آن می‌شوند. در تبیین این یافته، می‌توان گفت زن و شوهرهایی که دارای سطوح تمایز یافتگی پایین هستند، برای پایداری روابطشان، رشد و خود رهبری شان را قربانی ازدواج می‌کنند. چنانچه الگوی ارتباطی سازنده متقابل به عنوان الگوی غالب در روابط زناشویی به کار برده شود با افزایش میزان رضایت زناشویی زوجین همراه خواهد بود. مهمترین ویژگی این الگو، این است که، الگوی ارتباط زوجین از نوع برنده- برنده است. در این الگو، زوجین به راحتی در مورد مسائل و تعارض‌های خود گفتگو می‌کنند و به دنبال حل آن برمی‌آیند و از واکنش‌های غیرمنطقی و پرخاشگری خودداری می‌کنند (خسروی و همکاران، ۱۳۹۸). رابطه وابستگی- فاصله در برخی روابط زناشویی وجود دارد. در این نوع یکی از همسران همواره زنان در گوشه شراکت خود ذوب و در نتیجه وابسته می‌شوند. زوج دیگر برای فرار از این وابستگی و حفظ استقلال خود از رابطه زناشویی، فاصله می‌گیرد. بیشترین میزان بحران در این چیدمان است، هرچه طرف وابسته، بیشتر به سمت زوج فاصله گرفته می‌رود، او بیشتر عقب می‌کشد و یا برعکس. در این الگو، فاصله گیرنده با وجود علاقه کمتر، قدرت بیشتری دارد و همواره شریک زندگی‌اش برای جلب توجه او تلاش می‌کند. در دوران استرس، زن از خرده‌های عاطفی یا همان میزان کم انرژی داده شده به زن از طرف مرد، شاک می‌گیرد. این در حالی است که در زندگی متعادل زن و مرد علاوه بر حفظ خلوت، حریم و استقلال خود، به حقوق و خواسته‌های همسر خویش احترام می‌گذارند (عنایت پور، ۱۳۹۵).

همچنین نتایج نشان داد که تنظیم هیجان می‌تواند رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی را میانجی‌گری کند. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های (اکبری و همکارانش، ۱۳۹۵)، (لوبستیال و همکارانش، ۲۰۱۱)، (هاریس و کارتین، ۲۰۰۴)، (لاملی و هارکنس، ۲۰۰۷)، (ریسو و همکاران، ۲۰۰۷)، (ایزدیان و همکاران، ۱۳۸۹)، (محمد خانی و حسونند، ۱۳۸۹)، (امانی، ۱۳۹۱)، (بهبزادی، ۱۳۸۹)، (یانگ، ۲۰۰۳)، (بلک بورن، ۱۹۹۸) همخوانی دارد. برای مثال (اکبری و همکارانش، ۱۳۹۵) پژوهشی را با هدف پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین براساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تنظیم هیجان و مولفه‌های آن انجام دادند. نمونه در برگیرنده ۱۶۵ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، نتایج تحلیل داده‌ها حاکی از آن بود که می‌توان به کمک طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تنظیم هیجان، طلاق عاطفی زوجین را پیش‌بینی کرد و برپایه این الگوها یک رویکرد پیشگیری از سردی روابط زناشویی و درمان زناشویی برپایه رویکرد طرح‌واره درمانی و مدیریت تنظیم هیجان فراهم نمود و یافته‌های این پژوهش را در محیط بالینی و مشاوره‌ای برای کمک به زوجین مشکل‌دار و درآستانه طلاق به کارگرفت. زندگی هیجانی ما با روابط اجتماعی ما پیوند خورده است. دیگران اغلب محرک بیشتر هیجان‌ات ما و دریافت‌کننده بیشتر هیجان‌اتی هستند که ابراز می‌کنیم. هنگامی که دیگران درواکنش به هیجان‌ات ما، پاسخ‌های هیجانی خودشان را نشان می‌دهند، سوخت لازم برای تداوم زنجیره‌های تبادل هیجان‌ات فراهم شده و زندگی اجتماعی ما شکلی پویا به خود می‌گیرد. زوجها کوچکترین واحد اجتماعی هستند، از آنجا که روابط نزدیک منبع ایجاد طیف وسیعی از هیجان‌ات است، تنظیم هیجان نقشی اساسی در روابط زناشویی ایفا می‌کند. همسران باید مجموعه‌ای از مهارت‌های هیجانی را دارا باشند، به عبارت دیگر، داشتن مهارت‌های هیجانی به ایجاد و تقویت صمیمیت بین همسران کمک می‌کند و متعاقباً به رضایت زناشویی منجر می‌شود. به عنوان مثال، توانایی شناسایی هیجان‌ات و بیان مناسب هیجان‌ات به همسران کمک می‌کند تا رنج هیجانی را در خود و دیگری تشخیص داده و به نحوی درباره آن صحبت کنند که برای رابطه سازنده تریبده و تعارض کمتری ایجاد کند. به این ترتیب رویدادهای صمیمانه و تعاملات مثبت بیشتری شکل گرفته و رضایت زناشویی افزایش می‌یابد (کوردووا، جی و وارن، ۲۰۰۵).

در نهایت نتایج نشان داد که تنظیم هیجان می‌تواند رابطه بین دلزدگی زناشویی با طلاق عاطفی را میانجی‌گری کند. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های (امیدی فر و همکاران، ۱۳۹۵)، (بیمبا، کویجر، هدگیدورن و بانک؛ ۲۰۰۶)، (اسدی، فتح‌آبادی و محمد شریفی؛ ۱۳۹۲)، (لوییس، ۲۰۰۶) هم‌خوانی دارد. برای مثال امیدوی فروهمکارانش (۱۳۹۵) پژوهشی را با هدف مقایسه و رابطه خودتنظیمی هیجانی با دلزدگی و صمیمیت زناشویی در زوجین هر دو و یکی شاغل در ادارات دولتی انجام دادند. نمونه در برگیرنده ۱۸۱ زوج (۳۶۲) نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شد. نتایج به دست آمده حاکی از وجود رابطه میان راهبردهای تنظیم هیجان، دلزدگی و صمیمیت زناشویی بود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت وقتی هیجان‌ات مثبت و محبت بین همسران ابراز شود و خودتنظیمی هیجانی به شکل صحیح خود اتفاق بیفتد، به صمیمیت می‌انجامد و هنگامی که صمیمیت در رابطه وجود دارد، رابطه تقویت می‌شود، اما زمانی که ارتباط به صورت تدافعی، سرد و بدون احساس

و خالی از صمیمیت باشد، رابطه تضعیف می‌شود و احتمال دلزدگی زناشویی بیشتر می‌شود. رفتارهای مثبت روزانه فرصت مناسبی برای زوج‌هاست که صمیمیت و هیجان‌ات خود را بیشتر به هم نشان دهند (ابراهیمی، ثنایی ذاکر و نظری، ۱۳۹۰). اگر همسران نیازها و هیجان‌ات خود را مطرح نکنند منجر به انباشته شدن فشارهای روانی تضعیف‌کننده عشق، افزایش تدریجی خستگی و یکنواختی و جمع شدن رنجش‌های کوچک به مرور منتهی به دلزدگی و فرسودگی می‌شود (اسدی وهمکاران، ۱۳۹۲).

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان داد که تنظیم هیجان به عنوان یک متغیر میانجی توانست رابطه میان طلاق عاطفی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و دلزدگی زناشویی در زنان متأهل تهران را تبیین نماید. از محدودیت‌های این پژوهش، این است که این پژوهش تنها بر روی زنان انجام شد، پیشنهاد می‌شود برای تعمیم نتایج به کل جامعه جنسیت (مرد) را نیز لحاظ کرد. در ادامه توصیه می‌شود به دلیل اینکه پژوهش به صورت در دسترس در سطح شهر تهران انجام شد، تکرار آن در دیگر شهرهای ایران برای بررسی تاثیر خرده فرهنگ‌ها بر متغیرهای پژوهشی لازم و ضروری است. از طرفی پژوهش‌هایی که تبیین طلاق عاطفی را به صورت مدل انجام داده باشند کم است، توصیه می‌شود پژوهش‌هایی در تبیین طلاق عاطفی به صورت مدل با متغیرهایی دیگر از طریق میانجی‌گری‌های دیگر انجام شود تا پژوهشگران برای تبیین و مقایسه با محدودیت روبرو نشوند. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و دلزدگی زناشویی زنان متأهل موجب افزایش طلاق عاطفی می‌شوند. با توجه به نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و دلزدگی زناشویی در افزایش طلاق عاطفی، پیشنهاد می‌شود، برای تشخیص وضعیت شخصیتی افراد قبل از تشکیل خانواده افراد تحت آزمون‌های شخصیتی قرار بگیرند تا ابعاد شخصیتی آنها و تاثیر طرح‌واره‌های اولیه در روابط شان مشخص شود و در صورت لزوم تحت آموزش قرار بگیرند از طرفی مشاوران و روانشناسان و رسانه‌های ارتباطی با آگاهی بخشی به خانواده‌ها در مورد نحوه تربیت فرزندان به عنوان اولین و مهمترین محیط شکل‌گیری طرح‌واره‌ها با بالا بردن سطح آگاهی و اطلاعات افراد از بروز ارتباطات ناسالم بین فردی و نارضایتی زناشویی و طلاق عاطفی در آینده پیشگیری کنند و مشاورین در مشاوره‌های پیش از ازدواج از جهت آگاهی از نگرش‌های عشق و عشق ورزی زوجین در آستانه ازدواج استفاده کنند و ضمن آگاهی بخشی در صورت ناسازگار بودن این نگرش‌ها در جهت تعدیل آن عمل کنند و در ادامه برای پیشگیری از طلاق عاطفی در سال‌های اولیه زندگی زوجین یک نظام حمایت خانوادگی در یک فضای علمی مشاوره‌ای ایجاد شود.

موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات محرمانه می‌ماند و این امر نیز کاملاً رعایت شد.

سپاسگزاری

بدین وسیله از تمامی افرادی که در انجام این پژوهش ما را یاری کردند تشکر و قدرانی به عمل می‌آوریم.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد. مقاله حاضر بر گرفته از رساله دکتری نویسنده اول بود که توسط معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱ به کد رهگیری ۱۶۲۳۷۲۲۴۰ به تصویب رسیده بود و در تاریخ ۱۴۰۱/۳/۴ پیش دفاع متمرکز انجام شد.

منابع

- اسدی، عدالت، فتح آبادی، جلیل، و محمد شریفی، فواد. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین دزدگی زناشویی، باورهای بدکارکردی جنسی و احقاق جنسی در زنان متاهل. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۳(۴)، ۶۸۴-۶۶۱.
- اکبری، ابراهیم، عظیمی، زینب، طالبی، سعیده، و فهیمی، صمد. (۱۳۹۵). پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین بر اساس طرح واره‌های ناسازگار اولیه، تنظیم هیجان و مولفه‌های آن. دوفصلنامه علمی-پژوهشی، ۱۴(۳ پیاپی ۲۷)، ۹۲-۷۹.
- امیدی فر، حنانه، پورابراهیم، تقی، خوش کنش، ابوالقاسم، و مرادی، ایوب. (۱۳۹۵). مقایسه و رابطه خودتنظیمی هیجانی با دزدگی و صمیمیت زناشویی در زوجین هردو و یکی شاغل ادارات دولتی. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، ۸(۲۶)، ۶۷-۵۰.
- امانی، احمد، و اسفندیاری، حجت. (۱۳۹۱). طرح واره‌های ناسازگار اولیه به عنوان عوامل پیشگیری بلوغ عاطفی دانشجویان پسر دارای تجربه شکست عشقی. مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان.
- اندوز، زهرا، و حمیدپور، حمید. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین طرح واره‌های ناسازگار اولیه، سبک دلبستگی و رضایت زناشویی در زوجین. خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، (ص ۱۶۵). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بازدار، خالد، و موسوی، سید اصغر. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل نقش طرح واره‌های ناسازگار اولیه و کمال‌گرایی منفی در پیش‌بینی طلاق عاطفی بین زوجین. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۳(۴۳)، ۱۱۶-۹۳.
- بشارت، محمد علی، میرزایی، طیبه، غلامعلی لوانانی، مسعود، و نقی پور، مرتضی. (۱۳۹۶). نقش تعدیل‌کننده عواطف مثبت و منفی در رابطه بین دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی. دو فصلنامه روانشناسی خانواده، ۲(۴): ۷۷-۶۱.
- پایزنز، آیالاماچ. (۱۹۹۶). چه کنیم تا عشق رویایی به دزدگی نینجامد. ترجمه شاداب، فاطمه. (۱۳۹۴). تهران: انتشارات ققنوس.
- پایزنز، آیالاماچ. (۱۹۹۶). دزدگی از روابط زناشویی. ترجمه‌ی گوهری راد و افشار. (۱۳۸۴). تهران: انتشارات رادمهر.
- جامعی نژاد، فرحناز. (۱۳۸۹). رابطه بین عشق، شادمانی ذهنی، سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی کارکنان شرکت ملی حفاری ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- خراسانی زاده، عاطفه، پورشریفی، حمید، رنجبری پور، طاهره، باقری، فریبرز، و پویامنش، جعفر. (۱۳۹۸). الگوی ساختاری رابطه بین الگوهای ارتباط والد-فرزند و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی. روانشناسی کاربردی، ۱۳(۱ پیاپی ۴۹): ۷۶-۵۵.

- خسروی، جهانبخش، مرادی، امید، احمدیان، حمزه، و یوسفی، ناصر. (۱۳۹۸). مدل علی گرایش به طلاق عاطفی براساس الگوهای ارتباطی زوجین با میانجی گری دزدگی زناشویی. (مطالعه موردی: شهرستان قصرشیرین). دو فصلنامه مطالعات جمعیتی، ۵(۲)، ۲۱۰-۱۵۸.
- دربانی، سیدعلی، فرخزاد، پگاه، و لطفی کاشانی، فرح. (۱۳۹۹). اثر بخشی خانواده درمانی راهبردهای کوتاه مدت بر تعارض‌های زناشویی. فصلنامه خانواده درمانی کاربردی، ۱۱(۱)، ۶۸-۵۴.
- رستمی، عثمان. (۱۳۹۶). نقش طرح واره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی خود در فرسودگی زناشویی و طلاق عاطفی زوجین. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.
- رشیدی، سمانه. (۱۳۹۴). پیش بینی طلاق عاطفی براساس ناگویی هیجانی و طرح واره‌های شناختی در زنان متاهل دانشگاه الزهرا. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا.
- رضوانی، حورالعین، و صائمی، حسن. (۱۳۹۸). همبستگی تمایز یافتگی خود و نوروگرایی با طلاق عاطفی در دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر. فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت، ۸(۲)، ۳۰-۲۳.
- صابونچی، فرانک، دوگانه‌ای فرد، فریده، و بهبودی، معصومه. (۱۳۹۹). الگوی ساختاری رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میانجی گری هیجان خواهی. فصلنامه روان شناسی کاربردی، ۱۴(۱۱ پی‌پای ۵۳): ۱۳۹-۱۱۹.
- صابونچی، فرانک، دوگانه‌ای فرد، فریده، و بهبودی، معصومه. (۱۳۹۹). الگوی ساختاری پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و جهت گیری زندگی در زنان متاهل: با نقش واسطه‌ای هیجان خواهی. فصلنامه خانواده درمانی کاربردی، ۱۱(۳): ۱۲۰-۱۰۲.
- علوی، موسی. (۱۳۹۲). مدل یابی معادلات ساختاری در پژوهش‌های مرتبط با آموزش علوم سلامت، معرفی روش و کاربرد آن. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۳(۶)، ۵۳۰-۵۱۹.
- عنایت پور، مهدیه. (۱۳۹۵). رابطه باورهای ارتباطی، سازگاری بهداشتی با طلاق عاطفی با توجه به میانجی گری صمیمیت و دزدگی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.
- لعل زاده، انسیه، اصغری ابراهیم آباد، محمد جواد، و حصارسرخ، ربابه. (۱۳۹۴). بررسی نقش طرح واره‌های ناسازگار اولیه در پیش بینی طلاق عاطفی. مجله روانشناسی بالینی، ۷(۲ پی‌پای ۲۶)، ۱۰۸-۱۰۱.
- مشهدی، علی، قاسم پور، عبدالله، اکبری، ابراهیم، ایل بیگی، رضا، و حسن زاده، شهناز. (۱۳۹۲). نقش حساسیت اضطرابی و تنظیم هیجانی در پیش بینی اضطراب اجتماعی دانشجویان. مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۴(۲ پی‌پای ۵۲)، ۱۰۰-۹۰.

موسوی، سیده فاطمه، و رحیمی نژاد، عباس. (۱۳۹۴). مقایسه منزلت‌های هویت بین فردی زنان و مردان متاهل با توجه به وضعیت طلاق عاطفی. فصل نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۶(۱)، ۱۱-۲۳.

نادری نورعینی، سحر. (۱۳۹۷). تدوین مدل ساختاری طلاق عاطفی براساس روان رنجوری با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای و تنظیم هیجان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا همدان. هادیان، صبا، و امینی، داریوش. (۱۳۹۸). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی براساس هوش عاطفی، مهارت‌های ارتباطی و تعارضات زناشویی زوجین متاهل دانشگاه آزاد همدان. پژوهشنامه زنان، ۱۰(۲۷)، ۲۱۱-۱۷۹.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۴). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار لیزرل*. تهران: انتشارات سمت.

یانگ، جفری، کلوکسو، ژانت، و ویشار، مارجوری. (۲۰۰۳). *طرح‌واره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی*، ترجمه: حسن حمیدپور و زهرا اندوز (۱۳۹۸)، تهران: انتشارات ارجمند.

یانگ، جفری. (۲۰۰۳). *شناخت درمانی اختلالات شخصیت*، ترجمه علی صاحبی و حسن حمیدپور (۱۳۹۹)، تهران: انتشارات ارجمند.

یوسفی، مریم. (۱۳۹۲). اثربخشی مداخله آموزش مبتنی بر مدل طرح‌واره‌ها در ارتقاء رضایت زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

Blunch, N. (2012). Introduction to structural equation modeling using IBM SPSS statistics and AMOS. *Sage (2 th ed., pp. 24-32)*.

Butler, E. A. (2015). Interpersonal affect dynamics, It takes two (and time) to tango. *Emotion Review*, 7(4), 336-341.

Chin, W. W. (1998). The partial least squares approach to structural equation modeling. *Modern methods for business research*, 295(2), 295-336.

Cordova, J. V., Gee, C. B., & Warren, L. Z. (2005). Emotional skillfulness in marriage, Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 24(3), 218-235.

Gross, J. J. (1998). The emerging field of emotion regulation, An integrative review. *Rev Gen psycho*, 2, 271-299.

Gross, J. J., & John, O. P. (2003). Individual differences in two emotion regulation processes, Implications for affect, relationships, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85(2), 348-362.

Gross, J. J., & Thompson, R. A. (2017). Emotion regulation: Conceptual foundations, in *Handbook of Emotion Regulation*, Ed J. J. Gross (New York, NY: Guilford press), 3-24.

Harris, E. A., & Curtin, L. (2004). Parental perceptions, Early maladaptive schemas and depressive symptoms in Young. *Cognitive Therapy and Research*, 26, 405-416.

Khasho, DA., Van Alphen, S.P.G., Heijnen-Kohl, S.M.J., Ouwens, M.A., Arntz, A., Videler, A.C. (2019). The effectiveness of individual schema therapy in older adults with borderline personality disorder: protocol of a multiple-baseline study. *Contemporary Clinical Trials Communications*, 14(2): 321-330.

Kline, R. (2016). Data preparation and psychometrics review. *Principles and practice of structural equation modeling (4th ed., pp. 64-96)*. New York, NY: Guilford.

- Lazarus, R. S. (1991). *Emotion and adaptation*. Oxford University press.
- Lewis, J. A. (2005). *Early maladaptive Schema and Personality dysfunction in adolescence: an investigation of the moderating effects of coping styles*. New York, February 23, 2005. Proquest on and learning company.
- Levenson, R. W., Haase, C. M., Bloch, L., Holley, S. R., & Seider, B. H. (2014). *Emotion regulation in couples*. In J. J. Gross (2 Ed.), *Handbook of emotion regulation* (pp. 267-283). New York, The Guilford press.
- Liu, S., Wang, Z., Lu, Sh., & Shi, J (2018). *Dyadic analysis of childhood emotional maltreatment and marital satisfaction during the transition to parenthood: The mediating effects of emotion regulation strategies and psychological distress*. 1216-1231. <https://doi.org/10.1080/10926771.2018.1466381>.
- Liceaga, M. D. (2013) "You stay, no matter how bad", women voice the trajectory of marital disaffection. A thesis presented to the Faculty of San Diego state university.
- Lobbestale, J., Peeters, F., Arntz, A., & Huibers, M. (2011). *Early maladaptive schemas in depressed patients, stability and relation with depressive symptoms over the course of treatment* original Research Article. *Journal of Affective Disorders*.
- McDermott, N. (2017). *Early maladaptive schemas, attachment, negative affect and relationship satisfaction*. MA thesis. Rowan University.
- Paines, A. M. (1996). *Couple burnout: Causes and Cure*, London Routledge, 60(2), 45-68.
- Pains, A. M., Nunes, R. (2003). *The relationship between career and couple burnout, implications for career and couple counseling*. *Journal of employment counseling*. 40(2), 50-64.
- Pascal, A., Christine, A., & Jean, L. (2008). *Development and validation of cognitive inventory of subjective distress*. *Geriatric Psychiatry*. 23: 1175-1182.
- Pehlivanli, E., İkizer, G (2020). *Marriage in Rural or Urban Areas: A Survey of Marital Satisfaction and Initial Disorder Plans*. (38)21, 361-395. <https://doi.org/10.21550/sosbilder.593401>.
- Renner, F., DeRubeis, R., Arntz, A., Peeters, F., Lobbestael, J., & Huibers, M. J. H. (2018). *Exploring mechanisms of change in schema therapy for chronic depression*. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 58(3), 97-105.
- Riso, P. L., du Toit, L. P., Stein, J. D., & Young, E. J. (2007). *Cognitive schemas and Core Beliefs in Psychological Problems: A Practitioners guide*. Washington: American Psychological Association.
- Solstad, K. (2017). *Investigating the Relationship between Positive and Negative Emotion Regulation and Marital Satisfaction and performance: journal of attitudes and behavior*. *Maturitas*. 2017;32(1):51-59.
- Stiles, O.E. (2004). *Early maladaptive schemas and intimacy in young adults romantic relationship*. San Francisco, USA: Alliant International University, P. 42.
- Taylor, C. D., Bee, P., & Haddock, G. (2017). *Does Schema therapy Change Schemas and symptoms? A systematic review across mental health disorders*. *Psychology and psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 90(3), 456-479.
- Tsapelas, I., Aron, A. & Orbu, T. (2016). *Marital boredom now predicts less satisfaction 9 years later* Published In: *Psychological Science*, 20(5), 543-545.
- Vimz, B., Pina, W. (2010). *The assessment of emotion regulation: Improving Construct Validity in research on psychopathology in Youth*. *Journal of Psychological Behaviour assessment*, Published online. 10(1), 169-178.

- Waller, G., Meyer, C., & Hanian, V. (2001). Psychometric properties of the long & short versions of the Young Schema Questionnaire. *Cognitive Therapy and Research*, 25(2), 137-147.
- Young, J. E., Gluhoski, V. A schema-focused Perspective on satisfaction in close relationships. In: Sternberg RJ, Hojjat M. (editors.). *Satisfaction in close relationships*. New York: Guilford; 1997: 356-81.
- Young, J. E. (1998). *Long L. Counseling therapy for couples*. New York: Thomson publitioning company.
- Zaki, J., & Williams, W. C. (2013). Interpersonal emotion regulation. *Emotion*, 13(5), 803-810.
- Zolfaghari, M., Fatehizadeh, M. (2008). Determining relationship between early maladaptive schemas and marital intimacy among mobarakeh steel complex personnel. 4(3), 247-261.

Modeling the Structural Equations of Emotional Divorce based on Early Maladaptive Schemas, Marital Boredom mediated by Emotion Regulation in Married Women

Mousgan Jalalvand, Ph.D¹, Hamidreza Rezazadeh Bahadoran,² Shokouh Navabinejad,³ Ali akbar khosravi Babadi⁴

Abstract

The aim of this study was to model the structural equations of emotional divorce based on early maladaptive schemas, marital boredom mediated by emotion regulation in married women in Tehran. The present study was descriptive, correlational and structural equation modeling. The statistical population of this research was all married women in Tehran. From among the statistical population a total of 200 married women living in Tehran were selected by available sampling method from the counseling centers of friends and counselors of the Association for the Protection of Children's Rights online (due to the presence of the Corona virus). There search instruments were emotional divorce questionnaire (EDQ), maladaptive schemas questionnaire (YSQ-SF2), marital boredom scale (CBM) and emotion regulation scale (ERS). All analyses were performed using SPSS26 and AMOS24 softwares. Bootstrap method in MACRO program was used to analyze the intermediary relationships. The results of direct relationships between research variables showed that there is a positive and significant relationship between cut and rejection, excessive listening and inhibition, and marital boredom with emotional divorce. Also, maladaptive schemas and marital boredom, in addition to a direct effect through emotion regulation, have a positive and significant indirect effect on emotional divorce. A conclusion can be drawn based on the findings of the research that emotion regulation as a mediating variable could explain the relationship between maladaptive schemas and marital boredom.

Keywords: Emotional Divorce, Early maladaptive Schemas, Marital Boredom, Emotion Regulation

1. Department of Counseling, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
mousgan_jalalvand@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of counseling, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
(Corresponding Author) rezazade1390@gmail.com

3. Professor, Department of Counseling, Kharazmi University, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Department of counseling, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran